

یافتن کتابی در حوزه‌ی جغرافیای تاریخی که بر اساس نظر محققین این رشته نوشته شده باشد، کاری مشکل است. این سختی باعث شد نگارنده‌ی پس از آشنایی با کتاب چشم‌انداز جغرافیای تاریخی و مطالعه‌ی بخش‌هایی از این کتاب (به ویژه فصل اول و دوم) این نوشتار را تهیه کنم. متأسفانه این کتاب علی‌رغم این که یکی از منابع مهم برای شناخت مبانی نظری جغرافیای تاریخی است، هنوز به فارسی ترجمه نشده است. از آن‌جا که فصل اول این کتاب، مهم‌ترین مباحث مورد نظر قرار داده، در این مقاله نیز مورد توجه خاص قرار گرفته است.

کتاب جغرافیای تاریخی: توسعه و چشم‌انداز در ده فصل تنظیم شده که عنوانین این فصول عبارتند از:

فصل اول: تئوری و متدولوژی در جغرافیای تاریخی، آر. باتلین

فصل دوم: مواد خام در جغرافیای تاریخی، ژ. د. هامشر

فصل سوم: عصر تاریکی، ج. وايتینگتون

فصل چهارم: اقتصاد و جامعه در قرون وسطی، د. وايت

فصل پنجم: کشاورزی و جامعه‌ی روستایی، د. والتون

فصل ششم: جغرافیای تاریخی تغییرات صنعتی، ج. پولی

فصل هفتم: مردم و مسکن در جامعه‌ی صنعتی، آر. دنیس

فصل هشتم: آمارنگاری تاریخی، پ. اوگدن

فصل نهم: ساختارشناسی (ربخت‌شناسی) شهری، ژ. آر. وايتاند

فصل دهم: مسکن (زیستگاه) شهری، ب. ک. روپرتز

فصل اول، مهم‌ترین و احتمالاً کارآمدترین بخش این کتاب در

حوزه‌ی جغرافیای تاریخی است. روپین باتلین، استاد کالج کوین‌مری،

دانشگاه لندن در انگلیس، در مقدمه‌ی مطالب خود با عنوان «طبیعت

و جوهره‌ی توسعه در جغرافیای تاریخی»، ضمن بیان این مطلب که

«ارائه‌ی یک اتفاق نظر از پیشرفت و توسعه (در جغرافیای تاریخی)

مطابق یک الگوی علمی، کاری مشکل است»، ادعان می‌دارد که

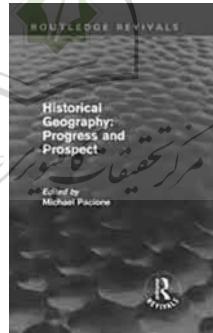
حتی بنیادی‌ترین فرضیات و نظریات راجع به مفهوم توسعه در

جغرافیای تاریخی و حتی بیان ماهیت چنین الگویی نیز مناقشه‌آمیز

بوده و همراه با بحث و جدل فراوان است. بنابراین ماهیت این مباحث

چشم‌انداز جغرافیاء تاریخ

میرهادی حسینی
عضو هیات علمی دانشگاه تربیت معلم (خوارزمی) تهران



Historical geography: progress and prospect
University of Strathclyde, UK Michael Pacione

Paperback: 306 pages

Publisher: Routledge

Language English

ISBN-10: 0415615348

ISBN-13: 978-0415615341

جغرافیابی که طی دو زمان (یکی در صد سال پیش و دومی در چهل سال پیش) نوشته شده، اظهار می‌دارد که «این تحول احتمالاً ناشی از آن است که داستان شرح داده شده تحت الشاعع هجوم بی‌درپی امواج قدیسین است.»

مک‌کاس کین، محقق بعدی مورد نظر باقیان است که مشابه همین نظر را در جلد چهارم کتاب تاریخ استرالیا ذکر می‌کند، به ویژه این که تاریخ اقتصادی و جغرافیای تاریخی بیشتر به سمت توسعه تمایل دارد.

به هر حال از منظر باقیان، نظریه‌ی توسعه‌ی (جغرافیای تاریخی)، از منظر عملی (Practical) و ایدئولوژی مدنظر است. زیرا در زمینه‌ی ایدئولوژی، دست‌کم در اندیشه‌های غربی، توسعه یک امر حقیقی و واقعی نیست بلکه یک امر «تکنیکال و علمی» است. توسعه، یک مفهوم گسترده است و به امور دیگر بستگی دارد. باقیان با صراحت بیان می‌کند که «از منظر عملی، توسعه به معنی ارتقاء درک فعال دانشمندان از اندیشه‌های جدید در مباحثات و مذاخرات است که ممکن است یکی از راه‌های رسیدن به علم باشد.»

باقیان در ادامه‌ی مباحث خود به این نکته اشاره می‌کند که گرچه بسیاری از کارهای انجام شده در جغرافیای تاریخی، در مقیاس محلی و ناحیه‌ای انجام شده، اما باید قبول کنیم که مباحث ملی و بین‌المللی، به رشد گروه‌های پژوهشگر (که توسط بیکر توصیف شده‌اند) کمک می‌کند. مانند مجموعه‌ی همایش‌ها با عنوان اتحاد جغرافیای بین‌المللی که در سال‌های ۱۹۷۹ در مسکو، ۱۹۸۰ در توکیو و ۱۹۸۴ در پاریس برگزار شد.

در این همایش‌ها، این نکته مطرح شد که بر اساس دیدگاه بیکر، توسعه در جغرافیای تاریخی و همکاری بین‌المللی در میان جغرافی دانان تاریخی، به هم وابسته است. البته عواملی مانند «زبان‌های خارجی» و «افکار بیگانه»، دلیل کنندی حرکت به این سمت است. از این زمان، ما شاهد انتشار آثار پژوهشی هستیم. باقیان معتقد است که «گروه پژوهشی جغرافیای تاریخی» (Historical Geography) در مؤسسه‌ی جغرافی دانان انگلیس، مهم‌ترین مرکز پژوهشی در حوزه‌ی جغرافیای تاریخی است. این مرکز پژوهشی از اوخر دهه‌ی ۱۹۶۰ کار خود را شروع کرده و یکی از مهم‌ترین اقدامات آن، انتشار مجله‌ای با عنوان «مجله جغرافیای تاریخی» است که اولین شماره‌ی آن در سال ۱۹۷۵ منتشر شد.

سایت اینترنتی گروه پژوهشی جغرافیای تاریخی که با حروف HGRG شناخته شده و از طریق آدرس اینترنتی زیر، قابل دسترسی است:

<http://www.hgrg.org.uk>

این مؤسسه‌ی پژوهشی، به عنوان معروف‌ترین و بزرگ‌ترین مؤسسه‌ای است که به صورت تخصصی در حوزه‌ی جغرافیای تاریخی به فعالیت‌های علمی مشغول است. این مؤسسه تاکنون بیش از چهارصد محقق و متخصص از سراسر جهان را در این زمینه به

فوق‌العاده پیچیده است و می‌بایستی به جنبه‌های مختلف حقوقی و زبان‌شناسی توجه کرد و مفاهیم فرهنگی منتقلین را مد نظر قرار داد. باقیان به این نتیجه رسیده که این مباحث باعث شده در خلال یک دهه، یعنی از اواسط دهه‌ی ۱۹۷۰ تا اواسط دهه‌ی ۱۹۸۰، شاهد پیشرفت‌های جالبی در تئوری و متداول‌تری علم جغرافیای تاریخی باشیم.

از نظر مؤلف، طی دهه‌های اخیر، متداول‌تری مبتنی بر تحریب‌گرایی (Empiricist) و عمل‌گرایی یا اثبات‌گرایی (Positivist) به طور قابل ملاحظه‌ای در مباحث درونی جغرافیای تاریخی مورد پذیرش قرار گرفته است. به علاوه این که تحول و توسعه در تئوری و متداول‌تری در مبحث جغرافیای تاریخی موجب شده جغرافیای تاریخی به ویژه نقش گسترده‌ای در علم جغرافیا و همچنین جغرافیای انسانی پیدا کند. باقیان با جمع‌بندی نظرات محققین در حوزه‌ی مبانی علم جغرافیای تاریخی به این نتیجه می‌رسید که «نکته‌ی مهم در جغرافیای تاریخی این است که بتوان از یک موقعیت مرکزی در جغرافیا، به یک موقعیت پیرامونی که بیشتر به جنبه‌های انسانی می‌پردازد، منتقل شویم.»

بر همین اساس است که باقیان باور دارد «توسعه‌ی جغرافیای انسانی از طریق عمل‌گرایی است که به واسطه‌ی کارهای برخی از جغرافی دانان تاریخی هدایت می‌شود و این که دست‌کم جغرافیای تاریخی در مترقب ترین شکل خود، گوش‌های از جغرافیای انسانی محسوب می‌شود.»

شاید بتوان جمله‌ی فوق را به نوعی چکیده‌ی نظرات باقیان در مباحث خود دانست. این که جغرافیای تاریخی در شکل مترقب خود، کاملاً به جغرافیای انسانی نزدیک می‌شود، باعث شده باقیان به این حقیقت برسد که یکی از پیامدهای این تغییر روش، افزایش توجه به مسائل تاریخی در جغرافیای انسانی است که با توسعه‌ی قابل توجه گفت‌وگو و مناظره با دیگر علوم اجتماعی همراه است. ممکن است این به معنی یک چرخش کامل باشد اما جغرافی دانان تاریخی به انسانی می‌توانند به قالب‌ها و شکل‌های مختلفی (گرچه در شکل مدرن آن) از جغرافیای فرهنگی و انسانی مراجعه کنند؛ یعنی همان چیزی که به عنوان «جغرافیای انسانی جدید» و «جغرافیای فرهنگی جدید» از آن یاد می‌شود.

باقیان قبل از پرداختن به جزئیات فوق، ضروری می‌داند مفهوم و معنی «توسعه در تئوری و متداول‌تری جغرافیای تاریخی» را مورد کنکاش قرار دهد. در اینجا باقیان با استناد به نظریات بر جسته ترین محققین رشته‌ی جغرافیای تاریخی، این مفهوم را به نقد می‌کشد. یکی از این محققین، دنیس است که در بررسی مفهوم تئوری و توسعه در جغرافیای تاریخی با اشاره به نظریه‌ی تاریخی وینگ (یک حزب در انگلیس قدیم) و نظریه‌ی تاریخ ادراکی و... اظهار می‌دارد که این نظریه برای جغرافیای تاریخی، «کاربست‌پذیر» است.

فرد بعدی کنندی است که در بررسی انتقادی خود از تغییرات دو کتاب

بر اساس نظریات داربی و بیکو، توسعه‌ی متداول‌زی (در جغرافیای تاریخی) از طریق کاربرد منابع جدید، ارزیابی مجدد و پالایش منابع شناخته شده و همچنین به کارگیری تکنیک‌های جدید تجزیه و تحلیل، انجام می‌گیرد.

مسئله‌ی بعدی در مقاله‌ی باتلین، «کاربرد رایانه در تجزیه و تحلیل ماده‌ی خام جغرافیای تاریخی» است. این که ماده‌ی خام در جغرافیای تاریخی چیست و چه رابطه‌ای با ماده‌ی خام در تاریخ دارد، البته از چشم باتلین مغفول مانده و به نحو شایسته‌ای در فصل بعدی توسط ژ. د. هامشر به بحث گذاشته شده است.

همچنین باتلین بر این باور است که «کاربرد کارتوگرافی (نقشه‌برداری) از زمین و استفاده از تصاویر نقشه‌های هوایی»، تأثیر ارزشمندی در کاوش‌های باستانی دارد. بر همین اساس، مبحث جدیدی به نام «نقشه‌برداری تاریخی» (Historical Cartography)، به ویژه در دهه‌های گذشته در امریکا، و توسط محققینی همچون: هارلی، آندروس، و دی وورسی پیگیری شده است.

مطالعه‌ی فصول دیگر کتاب جغرافیای تاریخی: توسعه و چشم‌انداز خالی از لطف نیست. به ویژه فصل دوم با عنوان «مواد خام در جغرافیای تاریخی» که توسط ژ. د. هامشر تألیف شده است. مؤلف در این فصل به نحوی نه چندان مفصل (و البته مفید) به نقش ارزشمند «ماده‌ی خام» در جغرافیای تاریخ می‌پردازد. «ماده‌ی خام در جغرافیای تاریخی» تفاوت اساسی با «ماده‌ی خام در تاریخ» دارد گرچه با آن بی ارتباط نیست. تحقیقات این فصل نشان می‌دهد که ماده‌ی خام تاریخی بسیار فراختر و فربه‌تر از ماده‌ی خام در جغرافیای تاریخی بوده و به توجه به رویکرد کلاسیک جغرافیای تاریخی به جغرافیای انسانی، ایده‌ی کاربرد «آمار، رایانه و نقشه‌کشی»، جایگاه ارزشمندی در تبیین ماده خام جغرافیای تاریخی خواهد داشت.

توجه به ویژگی‌های زمین‌شناسخی یک منطقه، ناهمواری‌هایی که در طول دوران‌های زمین‌شناسی ایجاد شده (مانند آتش‌فشان، زلزله، سیل و...)، اسناد، فسیل و مقایی بر جای مانده، از مهم‌ترین ماده‌ی خام‌های جغرافیای تاریخی است.

پی‌نوشت

۱- با بررسی اجمالی مقالات این فصلنامه، به این نتیجه رسیده‌ام که نویسنده‌گان مقالات این مجله، رویکرد اصلی مطالب خود را به مباحث زیر اختصاص داده‌اند:

- دلایل و ریشه‌ی مهاجرت اقوام به یک منطقه.

- برای درک مبانی نظری جغرافیای تاریخی، ابتدا باید با مبانی نظری مفهوم تاریخ آشنا شویم.

- دلایل اشغال یک منطقه از زمین و حمله‌ی اقوام وحشی با متمدن به یک منطقه.

- کاربرد اسناد تاریخی در نقشه‌برداری از مناطق قدیمی برای مشخص کردن چگونگی پیدایش حیات اولیه‌ی گیاهی.

- ارتباط GIS (سیستم اطلاعات جغرافیایی) با جغرافیای تاریخی.

عضویت پذیرفته است. این مؤسسه از نظر مدیریتی و مالی، زیر نظر انجمن جغرافیایی سلطنتی انگلیس (و یا مؤسسه‌ی جغرافی دانان انگلیس) قرار دارد و از طریق این سایت می‌توان به اطلاعاتی در زمینه‌ی اعضای مؤسسه، خبرنامه‌ی الکترونیکی، مجله، کنفرانس‌ها و... دسترسی پیدا کرد. پروفیل پژوهش‌نامه‌ی مدیریت این مؤسسه را به عهده دارد و می‌توان از طریق آدرس پست الکترونیکی زیر با وی مکاتبه کرد:

c.brace@exeter.ac.uk

لازم به ذکر است که مهم‌ترین بازتاب علمی این مؤسسه، انتشار مجله‌ی علمی- پژوهشی «جغرافیای تاریخی» است که مورد تأیید ISI است. این مجله به صورت فصلنامه بوده و از طریق سایت‌های Elsevier و یا Science Directory می‌توان به آن دسترسی پیدا کرد. و نیز مجله‌ی هلندی «جغرافیای تاریخی» که از ۱۹۸۳ انتشار یافت. همچنین مجموعه از مقالات در خصوص جغرافیای تاریخی که در سمیناری در دانشگاه بن (آلمان) چاپ شد، و مجله‌ی «جغرافیای تاریخی ژاپن».

باتلین به این نتیجه رسیده که در تمام این نشریات به مسئله‌ی توسعه‌ی تئوری و متداول‌زی در جغرافیای تاریخی اشاره می‌شود. البته در کشورهای سوسیالیستی، از دریچه‌ی دیگر به این موضوعات نگاه می‌شود. به عنوان نمونه، کشور چکسلواکی را می‌توان مثال زد که تئوری و متداول‌زی در جغرافیای تاریخی، بیشتر از نگاه جغرافیای اقتصادی مد نظر قرار گرفته است. این کشورها به موضوع اطلس‌های تاریخی اهمیت فوق العاده‌ای می‌دهند در حالی که در کشورهای کاپیتالیستی (غربی) جغرافیای تاریخی در قالب گذر از فنودالیسم به کاپیتالیسم (سرمایه‌داری) مد نظر است، و در کشورهای سوسیالیستی به صورت گذار از کاپیتالیسم به سوسیالیسم.

به هر حال باید قبول کنیم که از منظر باتلین مفهوم توسعه در تئوری و متداول‌زی در جغرافیای تاریخی، بسیار وسیع و فراخ است. کشورهای افریقا، آسیا و غربی و سوسیالیستی، هر یک روش خاص خود را دارند. برای نمونه، مطالعاتی که در جغرافیای تاریخی در فرانسه انجام شده، نشانه‌ی پوستگی مداوم به منابع سنتی (کلاسیک) و دوری از تئوری است. در حالی که در آلمان، تأکید زیادی به مسئله‌ی روابط محیطی (Environmental Relations) می‌شود، که نشانه‌ی علاقه و توجه بیشتر به مسئله‌ی تئوری و متداول‌زی است. مفهوم توسعه در جغرافیای تاریخی در امریکا و کانادا، به شدت به موضوع تهذیب و پالایش سنن تاریخی فرهنگی مربوط می‌شود. به این ترتیب، مباحث متداول‌زی و تئوری در امریکا، حول وحش مسائل انسانی و ایده‌آلیستی می‌گردد.

موضوع ترمینولوژی (شناسخت اصطلاحات و واژگان علمی) به ویژه در جغرافیای تاریخی هم یکی از مشکلات اساسی به حساب می‌آید.